

# قلمرو شورا در منابع اسلامی

حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا مصطفی پور

۸۹-۱۵

نیکوترین را پیروی می‌کنند بشارت ده.»  
مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد، آیه «و امرهم شوری بینهم» از نظر من نزدیک به آیه فوق می‌باشد<sup>(۱)</sup> زیرا شورا و مشورت برای رسیدن به آراء نظریه‌های خوب یا بهترین آراء و نظریه هاست و در این آیه هم می‌فرماید: بندگان خدا سخن را می‌شنوند و بهترین را انتخاب و پیروی می‌کنند.

روایات و احادیث اسلامی به عنوان دومین منابع دین، شورا و مشاوره را مورد تأکید قرار داده و از مسلمین خواسته است در امور از استبداد رأی و تک روی پرهیز نموده و با دیگران مشورت نمایند در غیر این صورت رأی او بی ارزش بوده و موجب هلاکت و نابودی می‌گردد. علی (ع) فرمود: «لارأی لمن انفرد به»<sup>(۲)</sup> و فرمود: «لا تستبد برأیک فمن استبد برأیه هلك»<sup>(۳)</sup>

پیامبر اسلام مشورت را یکی از اسباب حیات جامعه و ترک آن را یکی از اسباب مرگ جامعه معرفی کرده است «اذا کان امرانکم خیارکم و اغنیاءکم سمحانکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها

دارند و کارهایشان بین آنان با مشورت انجام می‌شود.

۳- سوره بقره آیه ۲۳۳ می‌فرماید: اگر در مورد بازداشتن کودک از شیر قصد تصمیم‌گیری دارید مشورت کنید «فان ارادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما» این آیه می‌گوید اگر در مورد دیگری حتی اگر کودک شیر خواری باشد بخواهید تصمیم‌گیری کنید، باید مشورت نمایید، حالا این مشورت بین پدر و مادر باشد چنانکه بعضی گفته‌اند و یا مشاوره با دیگری مثل پزشک باشد و یا اینکه هم پدر و مادر با هم مشورت کنند و هم با صاحب‌نظران مثل پزشک مشورت نمایند.<sup>(۴)</sup> از این آیه استفاده می‌شود که پدر یا مادر با همه علاقه و عاطفه‌ای که به فرزندشان دارند خداوند اجازه نمی‌دهد در امر تربیت و پرورش فرزندشان استبداد به خرج دهند بلکه باید با هم یا با دیگران مشورت کنند. و بعد از مشورت آنچه را که مصلحت است تصمیم‌گیری نمایند.

۴- سوره زمر آیه ۱۸ می‌فرماید: «فبشّر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه؛ پس بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و

از مهمترین اصول اجتماعی اسلام اصل شورا و مشاوره است که در منابع اسلامی با دقت و اهمیت خاصی مطرح و در سیره پیامبر اکرم(ص) و پیشوایان بزرگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که می‌توان گفت: «نهاد شورا» ستون فقرات نظام اسلامی و شیوه‌ای اجتناب‌ناپذیر در مدیریت جامعه اسلامی و جامعه مؤمنان می‌باشد.

قرآن کریم در چهار آیه موضوع شورا را مطرح کرده است.

۱- در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به پیامبر اسلام (ص) دستور می‌دهد در امور، با مسلمانان مشورت کند و آن را از رموز پیروزی و موفقیت آن حضرت می‌داند «فما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله».

۲- در آیه ۲۸ سوره شوری، هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان می‌فرماید: «و الذین استجابوا لرّیهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم؛ آنها کسانی هستند که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پای

و اذا كان امرانکم شرارکم و اغنیانکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیر لکم من ظهرا»<sup>(۵)</sup>

مشاوره موجب رشد اندیشه و تفکر در جامعه اسلامی و مشارکت مردم در سرنوشت خویش، سبب تحکیم پیوندهای اجتماعی و تقویت روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت در امور و از بین رفتن روحیه بی تفاوتی و انزواگرایی می‌گردد.

مهمترین جنبه یک حکومت مردمی بودن آن است که نقش پشتوانه را اجراء می‌کند و مردم با اعتبار یافتن و شرکت در امور نقش واقعی خود را می‌یابند و لذا در قرآن خطاب به پیامبر(ص) فرمود: «یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین»<sup>(۶)</sup> ای پیامبر خداوند و مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی است و با کمک آنان می‌توانی به هدف خود نائل شوی. یکی از راه‌های مشارکت مردم در امور در قالب مشاوره با آنهاست و لذا مشارکت در قالب مشورت پشتوانه‌ای بس عظیم برای هر نظامی است، علی(ع) فرمود: «لا مظاهره اوثق من المشاورة»<sup>(۷)</sup> هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.

به لحاظ این که مشاوره با صاحب نظران و عاقلان باعث دریافت حقیقت و دوری از خطاء و لغزش است علی(ع) فرمودند: «الاستشارة عین الهدایة و قد خاطر من استغنی برأیه»<sup>(۸)</sup> مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود اکتفا کند خویشتن را به خطر انداخته است.

جامعه‌ای که فاقد سنت مشورت است در تب و تاب خود محوریها و خودسریها می‌سوزد و دچار عدم تعادل می‌شود و لذا برای سلامت در تصمیم‌گیریها پیامبر اسلام(ص) فرمود: «من اراد امرا فشاور فیه و قضی هدی لارشد الامور»<sup>(۹)</sup> هر کس تصمیم به اجرای کاری گیرد و سپس برای آن مشورت کند و انجام دهد به بهترین راه دست یافته است. علی(ع) فرمود: «اذا عزمت فاستشر»<sup>(۱۰)</sup> هر گاه عزم کاری کردی مشورت کن مشورت کردن مایه پشت گرمی و رسیدن به حق و دوری از خطاء و لغزش و در نتیجه دوری از ندامت و پشیمانی است. علی(ع) فرمود: «شاور ذوی العقول تا من الزلل و الندم»<sup>(۱۱)</sup> با صاحبان خرد مشورت کن تا از لغزشها و پشیمانیها ایمن گردی.

سیره و سنت پیامبر هم بر همین اصل استوار بود تا آنجایی که در احادیث آمده است پیامبر اسلام زیاد با اصحاب مشورت می‌کرد.<sup>(۱۲)</sup> و از ابوهریره نقل شده است که گفت: هیچکس

را ندیدم که با اصحاب خود بیشتر از رسول خدا با اصحاب خود مشورت نماید.<sup>(۱۳)</sup>

■ نمونه‌هایی از مشورت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع)

پیامبر همانطوریکه از طرف خداوند مأموریت یافت تا با مردم مشورت کند سیره عمل آن حضرت نیز حکایت از مشورت آن حضرت می‌کند امام رضا(ع) می‌فرماید: «آن رسول الله(ص) کان یستشیر اصحابه ثم یعزم علی ما یرید»<sup>(۱۴)</sup> رسول خدا با اصحابش مشورت می‌کرد سپس بر آنچه که اراده می‌کرد تصمیم می‌گرفت. از این روایت استفاده می‌شود که سیره مستمر و همیشگی پیامبر مشورت با مردم بود و لذا نمونه‌هایی از مشورتهای آن حضرت به اشاره بیان می‌شود.

۱- پیامبر در جنگ بدر در سه مورد مشورت کرد.

اول: درباره اصل جنگ با اصحاب مشورت کرد. پس از اظهار نظر از طرف افراد، پیامبر برای جلب نظر انصار فرمود: «اشيروا علیّ یا ایها الناس» ای مردم نظر مشورتی خود را بیان کنید. سعدابن معاذ انصاری سخنانی گفت که پیامبر اکرم پس از شنیدن آن بلافاصله دستور حرکت صادر کرد.<sup>(۱۵)</sup>

دوم: در انتخاب و تعیین موضع نبرد با اصحاب مشورت کرد.

سوم: درباره اسیران جنگ بدر با اصحاب مشورت کرد.<sup>(۱۶)</sup>

۲- در جنگ احد پیامبر شورایی تشکیل داد و از نحوه برخورد با لشکر قریش مشورت کرد و در نهایت برخلاف نظر خود که خروج از مدینه را نمی‌پسندید تسلیم نظر کسانی شد که نظر به خروج از مدینه را داشتند.<sup>(۱۷)</sup>

۳- در جنگ احزاب پیامبر برای مقابله با سپاه عظیم مشرکان در دو مورد مشورت کرد اول: در کیفیت رویارویی با دشمن مشورت کرد که سلمان فارسی در این مجلس پیشنهاد حفر خندق را داد و پیامبر رأی او را اخذ کرد و دستور حفر خندق را صادر کرد.<sup>(۱۸)</sup>

دوم: قبایلی به انگیزه مادی در جنگ شرکت کرده بودند نظر این بود که در قبال پرداخت یک سوم میوه‌های مدینه با آنها صلح نماید ولی پیامبر بعد از دریافت صلحنامه و امضاء آن با اصحاب مشورت کرد که سعد ابن معاذ و سعد ابن عباده نظر به رد صلح دادند پیامبر نظر آنان را پذیرفت و به آن عمل کرد.

۴- در پیکارهای بنی قریظه و بنی نضیر در برخورد با یهود مدینه مشورت صورت گرفت.<sup>(۱۹)</sup>

۵- در ماجرای حدیبیه پس از آنکه مشرکان مانع ادامه حرکت کاروان زیارتی مسلمانان به سوی مکه شدند، رسول خدا با یاران به مشورت پرداخت، در مقام مشورت گفتند: ما برای زیارت آمده‌ایم نه برای جنگ که در نتیجه منجر به صلح یا قریش شد.<sup>(۲۰)</sup>

۶- در جنگ خیبر برای انتخاب منزلگاه مناسب با اصحاب مشورت نمود که براساس نظر حباب ابن منذر عمل کرد و محل استقرار نیرو را تغییر داد.

۷- هنگام فتح مکه زمانی که رسول خدا شنید ابوسفیان به اردوگاه می‌آید مشورت کرد.

۸- در غزوه طائف پس از محاصره دشمن درباره ماندن و ادامه محاصره مشورت صورت گرفت.<sup>(۲۱)</sup>

۹- در غزوه تبوک نیز آن حضرت با اصحاب خود مشورت کرد.<sup>(۲۲)</sup>

۱۰- درباره اسیران هوازن با اصحاب مشورت فرمود.

۱۱- در ماجرای تهمت به عایشه، با علی(ع) و زیدبن حارثه مشورت کرد و سرانجام نظر علی را ترجیح داد.<sup>(۲۳)</sup>

۱۲- در اعزام افراد برای اداره امور یک منطقه و فرمانداری و حکومت بخشی از مناطق تحت اداره مسلمانان مشورت می‌کرد.<sup>(۲۴)</sup>

رسول خدا نه تنها خود پای بند این اصل بود بلکه به اصحاب و تربیت یافته گان مکتب خود سفارش می‌کرد که به این اصل پایبند باشند.

■ نمونه‌ای از مشورت در زندگی امامان معصوم(ع)

۱- علی(ع) هنگامی که می‌خواست به شام برود با مهاجرین و انصار مشورت کرد.<sup>(۲۵)</sup>

۲- امام صادق با فضیل بن یسار یکی از اصحاب خود مشورت می‌کند، فضیل می‌گوید: مانند من طرف مشورت تو واقع می‌شود. حضرت فرمود: وقتی کسی با تو مشورت کرد نظر بده.<sup>(۲۶)</sup>

۳- امام هفتم(ع) با اهل بیت و شیعیان خود مشورت می‌کند.

موسی بن مهدی موسی ابن جعفر(ع) را تهدید کرد. علی بن یقظین آن حضرت را در جریان امر قرار داد حضرت اهل بیت و شیعیان خود را جمع کرد و از آنها در مورد کیفیت رویارویی با این خبر مشورت کرد.<sup>(۲۷)</sup>

۴- امام هفتم با غلام سپاه خود مشورت کرد با اینکه عقل و اندیشه آن حضرت برترین اندیشه بود، فردی گفت آیا مثل شما عاقلی با

غلامی مشورت می‌کند حضرت فرمود: خداوند حق را بر زبان او می‌گشاید و آشکار می‌سازد. (۳۸)

۵- امام رضا(ع) با یکی از اصحاب خود مشورت کرد. طرف به امام گفت آیا مثل تو مانند من مشورت می‌کند. امام با حالت غضب فرمود: پیامبر پیوسته با اصحاب خود مشورت می‌کرد. (۳۹)

۶- امام جواد(ع) از علی بن مهزیار خواست که با فردی مشورت کند و نظر او را در مورد چگونگی رویارویی با سلطان و اینکه در شهر او چه چیزی رواست دریافت کند زیرا مشورت مبارک است. (۴۰)

علاوه بر اینها در دوران حکومت خلفای راشدین به تاسی از پیامبر آنها با علی(ع) مشورت می‌کردند و بعد از دریافت نظر آن حضرت، از او پیروی می‌کردند که نمونه‌های آن عبارتند:

۱- مشورت در فتح ایران (۳۱)

۲- مشورت در فتح بیت المقدس. (۳۲)

۳- در تعیین مبدأ تاریخ اسلام. (۳۳)

با دقت در مجموعه آنچه که در متون و منابع دین آمده است روشن می‌شود که شورا در معارف اسلامی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱- شورا فضیلتی انسانی است زیرا اهل مشورت از طرفی از استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی که عامل سقوط انسانیت است بدورند و از سویی به شخصیت دیگران اعتراف می‌نمایند.

۲- شورا راه صحیح برای رسیدن به حقیقت و دریافت بهترین نظریه هاست.

۳- نماد مساوات انسانی و آزاداندیشی است.

۴- اعتقاد به حق مشارکت برای افراد جامعه با نظارت کردن و انتقاد نمودن است.

۵- راهی به سوی وحدت امت اسلامی از طریق ایجاد احساس مسئولیت در مردم.

۶- دوراندیشی و محکم کاری در امور را به همراه دارد.

با توجه به اهمیت شورا در اسلام و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان لازم است به چند مطلب بپردازیم.

### ■ شورا در لغت و اصطلاح

شورا در لغت به معنی مشورت کردن و رأی زدن است و در عربی در چیدن عسل از خانه زنبور عسل، ریاضت دادن اسبان تا سوار شوند بر آنها در وقت فروش و آزمایش، فربه شدن و هویدا کردن استعمال شده است. (۳۴)

در مقایسه اللغه در اصل به معنی ابداء و

اظهار چیزی و گرفتن چیزی استعمال شده است بعد می‌گوید: «فكان المستشار يأخذ الرأي من غيره» مستشیر رأی خود از دیگری دریافت می‌کند و در مفردات هم آن را به اخراج عسل از کندو معنی کرده است سپس می‌گوید: «التشاور و المشاورة و المشورة استخراج الرأي بمراجعة البعض الى البعض من قولهم شرت العسل اذا اتخذته من موضعه و استخراجته منه» یعنی تشاور و مشاوره و مشورت به معنی استخراج رأی و نظر از طریق مراجعه به دیگران است که از گفتار آنان در دریافت عسل از جایش و استخراج آن از کندو اقتباس شده است. (۳۵)

بنابراین شورا در اصل به معنی مکیدن زنبور از شیره گلها است. و کسی که با دیگران مشورت می‌کند آراء نظرات آنان را دریافت می‌کند و همانطوریکه زنبور عسل با تلاش و جستجو گلها و گیاهان مناسب را شناسایی و سپس شیره آنها را می‌مکد پس از آن در درون خود آن را پالایش و سپس به صورت عسل شیرین خارج می‌سازد و انسان از آن استفاده می‌کند، انسانها نیز افراد واجد شرائط را شناسایی و با آنها رأی زنی کرده و آراء آنان را بیابند و سپس با مقایسه بین آنها بهترین رأی را جذب و بکار ببندد. و لذا در تعریف اصطلاحی شورا و مشورت گفته‌اند: آگاهی از رأی کارشناسان برای رسیدن به بهترین نظریه و رأی، نظری که به صواب و حق نزدیک باشد. (۳۶)

حضرت علی (ع) در سفارشاتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: «اضمم آراء الرجال بعضها ببعض ثم اختر اقربها من الصواب و ابعدها من الارتياب... خاطر بنفسه من استغنى برأيه و من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء». (۳۷) آراء دیگران را با همدیگر ضمیمه کن سپس بهترین آنها را که به صواب و درستی نزدیکتر و از باطل و خطاء دورتر است انتخاب کن زیرا کسی که خود رأی باشد در معرض خطر است و کسی که از آراء دیگران استقبال کند موارد خطاء را می‌شناسد.

### ■ موضوع و قلمرو شورا

بعد از بیان اهمیت شورا و معنا و ماهیت آن به تبیین قلمرو و موضوع شورا می‌پردازیم. برای بیان قلمرو شورا باید اولاً بدانیم هدف شورا چیست و ثانیاً مراد از امر در قرآن چه می‌باشد؟ آیا مقید و محدود است یا مطلق و اگر محدود است به چه چیزی محدود است و ثالثاً شرائط مشاور چیست؟ و رابعاً آیا شورا موضوعیت دارد یا طریقیّت دارد یعنی آیا شورا برای رسیدن به معرفت و آگاهی است و لذا در تصمیم‌گیری مؤثر



است یا احترام به حق دیگران است و تصمیم با مدیر است گرچه مخالف نظر دیگران باشد.

### ■ هدف شورا

با توجه به آنچه که در اهمیت شورا و ماهیت شورا گفته شد هدف شورا به طور کلی دو چیز است:

۱- اجتناب از خودمحوری و استبداد رأی و خودکامگی و انحصارطلبی و در نتیجه از پیامدهای آن از قبیل از دست دادن ارزشهای انسانی، ندامت و لغزش بدور بودن.

۲- رسیدن به معرفت و آگاهی و غنا بخشیدن به اندیشه و فکر در پرتو تضارب آراء و دست‌یابی به توافق جمعی.

و لذا در تفاسیر قرآن در اینکه چرا پیامبر(ص) با اینکه از منبع وحی حقایق را دریافت می‌کرد مأمور به مشورت شد وجوهی ذکر کرده‌اند که همه آنها به این دو هدف بر می‌گردد. آنها عبارتند از:

۱- مشاوره برای شخصیت دادن به افراد  
۲- برای رشد فکری مردم  
۳- برای اینکه مردم بدانند حکومت او استبدادی نیست

۴- برای اینکه خلق خدا بدانند نزد خدا احترام دارند

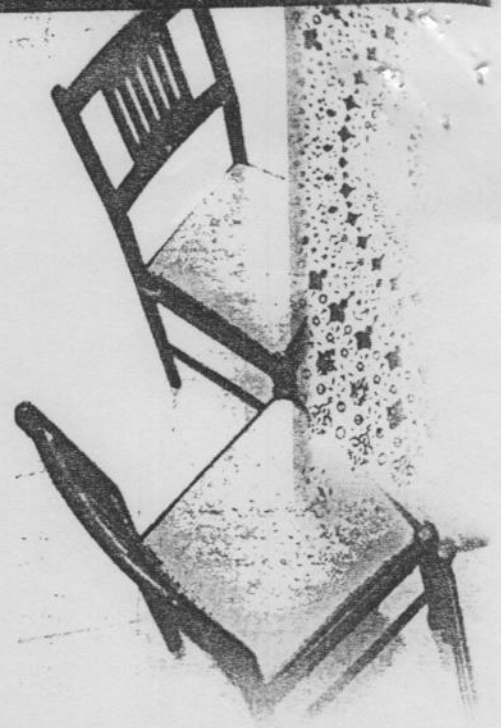
۵- برای اینکه نظر خواهی از دیگران عادیست

۶- برای اقتداء و تاسی امت به حضرت

۷- برای آزمایش افراد و اینکه افراد صاحب نظر و عاقل تشخیص داده شوند

۸- برای استفاده از تأیید مردم و توافق جمعی

۹- در صورت شکست انتقاد بی‌جا نکنند



۱۰- برای آگاهی مشورت شوندگان به اینکه نظر صحیح کدام است. (۳۸)

### ■ آیا شورا موضوعیت دارد یا طریقت

با توجه به اهداف شورا روشن می شود که شورا هم موضوعیت دارد و هم طریقت دارد توضیح مطلب اینکه: گاهی هدف شورا دست یابی به واقعیت و کم کردن خطا در اندیشه و عمل است این نوع مشورت طریقی است و برای کسی مطلوب است که خود متحیر و از واقعیت بی اطلاع می باشد و برای خروج از تحیر و اطلاع از واقع باید مشورت کرد. که در این صورت مشورت مقید به عدم علم به واقعیت و حقیقت است و لذا باید افرادی را به عنوان مشاور انتخاب کند که نسبت به موضوع تخصص و آگاهی داشته باشند این نوع مشورت است که در تصمیم گیری مؤثر است.

گاهی هدف مشورت رعایت حقوق دیگران یعنی مشورت شوندگان و دست یابی به واقعیت مقصود اصلی نیست، این نوع مشورت خود موضوعیت دارد یعنی مشورت به این دلیل است که رعایت حقوق دیگران و احترام به آنهاست، در واقع مشورت شونده حقی به گردن مشورت کننده دارد که باید آن حق را دریافت کند. لذا مشورت کننده چه عالم باشد و چه نباشد باید با او مشورت کرد گرچه در تصمیم گیری مؤثر نباشد.

گاهی هدف مشورت هم دست یابی به واقع است و هم رعایت حقوق دیگران می باشد که در واقع جمع بین دو جهت طریقت و موضوعیت است به این بیان که تشکیل شورا در روند تصمیم گیری به هدف دستیابی به واقع و حقیقت

از حقوق مردم محسوب می شود از آیات و روایات استفاده می شود هر دو جهت مورد نظر است.

### ■ کلمه امر و مراد از آن

با توجه به اینکه در قرآن کریم شورا به کلمه امر قرین گردیده است چه آنجا که خطاب به پیامبر است «وشاورهم فی الامر» و چه آنجایی که ویژگی جامعه مؤمنان مطرح می شود «و امرهم شوری بینهم» لازم است بدانیم مراد از کلمه امر چیست؟ عموم مفسران عامه و خاصه می گویند: امری که در این آیات به کار رفته مقید است به مواردی که وحی در آن نازل نشده باشد و لذا در مواردی که از اوامر و نواهی الهی و فرامین پیامبر خارج باشد جای مشورت است و در نتیجه در همه شؤون و ابعاد زندگی چه فردی باشد و چه اجتماعی می توان مشورت کرد. صاحب العنار می نویسد: فرمان مشورت در همه امور مربوط به سیاست امت و مصالح دنیوی آنها را در بر می گیرد. وی سپس می گوید: مراد از امر امور دنیوی است که حکومت قائم به آن است نه امر دینی محض که مدار آن وحی است. سر مسئله را این چنین بیان می کند، اگر مسائل دینی مانند عقاید و عبادات و حلال و حرام مورد مشورت قرار گیرد از دین بودن خارج و خصلت بشری به خود می گیرند در حالی که دین الهی است، و نظر کسی در آن دخیل نیست و از اصحاب پیامبر زمانی نظر خود را به آن حضرت عرضه می کردند که اطمینان پیدا کنند در آن مورد وحی وجود ندارد. (۳۹)

مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: اگر در حدود شرعی مشورت روا باشد تشریح و شریعت لغو خواهد شد. (۴۰)

قرآن هم مؤید این مطلب است زیرا هم به پیامبر می گوید: باید بر اساس فرمان خدا حکومت کنی «انما انزلنا الیک الكتاب لتحکم بین الناس بما اریک الله» (۴۱) ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا به آنچه که خداوند به تو آموخته در میان مردم حکومت کنی. از این آیه استفاده می شود که رسول خدا موظف است بر اساس فرمان خدا حکومت کند، درباره عموم مؤمنان هم می فرماید: «و ما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً» (۴۲) هیچ مرد و زن با ایمان حق ندارند که هرگاه خدا و پیامبرش دستوری دادند از پیش خود اختیاری داشته باشند و هر کس نافرمانی خدا و رسول او را پیشه سازد در گمراهی آشکار به سر می برد.

نویسنده کتاب دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه می نویسد: گرچه لفظ امر به حسب لغت و مفهوم همه شؤون فردی و اجتماعی اعم از سیاسی اقتصادی و فرهنگی و دفاعی را شامل می شود مشورت در همه این مسائل حتی امور فردی مهم و پسندیده است اما متبادر از امر و قدر متیقن آن همان مشورت در مسائل حکومتی و اداره امور جامعه است که از مهمترین آنها مسئله جنگ و دفاع است. (۳۳)

مرحوم نائینی (ره) می نویسد: دلالت کلمه (فی الامر) که مفرد محلی و مفید عموم اطلاق است بر اینکه متعلق مشورت مقررّه در شریعت مطهره کلیه امور سیاسیه است هم در غایت وضوح است و خروج احکام الهیه از این عموم از باب تخصص است نه تخصیص. (۳۴)

با توجه به آنچه استفاده می شود قلمرو شورا مواردی است که وحی در آن وارد نشده باشد و شریعت در آن رابطه فاقد حکم باشد ولی در اموری که خدا و پیامبر در آن حکمی ندارند می توان مشورت کرد.

### ■ شرائط مشاور

یکی از مطالبی که در تعیین قلمرو شورا مؤثر است شرائطی است که از متون اسلامی برای مشاور ذکر شده است، در اینکه اعضای شورا باید واجد چه صفاتی بوده و از چه اوصافی بر کنار باشند و اگر فاقد این اوصاف باشند نمی توانند در امور مسلمین اظهار نظر نمایند می توان قلمرو شورا را مشخص کرد، شرائط مشاوران دو دسته ثبوتی و سلبی هستند.

### ■ صفات ثبوتی مشاوران

۱- اسلام: اولین شرط عضویت در شورا که موضوع آن رسیدگی به امور مسلمین است مسلمان بودن است زیرا یکی از حدودی که در شوری باید رعایت شود راز داری است خدا فرموده است غیر مسلمان را بطانه و همراز نگیرید «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانة من دونکم لایالونکم خیالاً و دّوا ما عنتم» (۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید آنها از هر گونه شر و فساد درباره شما کوتاهی نمی کنند، آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید.

۲- تعقل: پیشوایان حق سفارش کرده اند که با انسان های عاقل مشورت کنید نه افراد کم خرد رسول خدا (ص) فرمود: «استرشدوا العاقل ولا تعصوه فتندموا» (۳۶) با انسان عاقل مشورت کنید و او را نافرمانی نکنید که پشیمان می شوید. و باز فرمود: «مشاوره العاقل الناصح رشد و

یعن و توفیق من الله فاذا اشار عليك العاقل الناصح فاياك و الخلاف فان في ذلك العطب» (۳۷) مشورت با انسان عاقل خيرخواه رشد و برکت و توفیق الهی است پس هرگاه انسان عاقل خيرخواه نظر مشورتی داد از مخالفت با آن بپرهیز که سختی بدنبال خواهد داشت و لذا مشورت با زنان عاقل مورد توجه قرار گرفته است.

علی(ع) فرمود: «ایاک و مشاوره النساء الامن جربت بکمال عقل» (۳۸) از مشورت با زنان اجتناب کنید مگر آنکه کمال عقلانی او به ثبوت رسیده باشد.

۳- تقوی

پیامبر خدا(ص) فرمود: با اهل تقوا و پرهیزکاری مشورت کنید: «شاور العتقین الذین یؤثرون الآخرة علی الدنيا و یؤثرون علی انفسهم فی امورکم».

با متقین مشورت کنید که آنها کسانی هستند که آخرت را بر دنیا ترجیح می دهند و کارهای شما را بر امور خویش مقدم می دارند.

۴- تجربه

مشورت با کسانی که اهل تجربه هستند می تواند انسان را از خطاها مصون و به راه صحیح رهنمون باشد و لذا یکی از شرائط مستشار تجربه است. علی علیه السلام فرمود: «افضل من شاورت ذوی التجارب» (۳۹) برترین کسی که با وی مشورت می کنی باید دارای تجربه ها باشد. امام صادق(ع) فرمود: «شاور فی امورک مما یقتضی الدین من فیه خمسة خصال، عقل و حلم و تجربه و نصح و تقوی فاستعمل الخمسة و اعزم و توکل علی الله فان ذلک یؤدیک الی الصواب» (۴۰).

در کارها با کسانی مشورت کن که دارای پنج خصلت باشند، عقل، حلم و بردباری، تجربه، نصح و خیرخواهی، تقوی این پنج خصلت را به کارگیری و تصمیم بگیر و بر خدا توکل کن که این کار تو را به حق می رساند.

علی علیه السلام فرمود: «خیر من شاورت ذروی النهی و العلم و اولو التجارب و الحزم» (۴۱) بهترین کسی که با او مشورت کنی صاحبان خرد و اندیشه و خداوندان تجربه ها و دوراندیشی هستند.

۵- علم

یکی از شرائط مشاوران آنست که عالمان صالح باشند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «شاور و العلماء الصالحین فاذا عزمتم علی امضاء ذلک فتوکلوا علی الله» (۴۲) با علمای صالح مشورت کنید و چون تصمیم بر اجرای آن گرفتید به خدا توکل کنید.

حلم ۷- نصیح ۸- حزم ۹- راز دار بودن

■ صفات سلبی مشاوران

صفات منفی مشاوران عبارت است: ۱- جبن و ترسه بودن ۲- بخیل ۳- حریص ۴- استبداد رأی ۵- حماقت و سفاقت ۶- تساؤن ۷- جبهل ۸- دروغگوی...

علی(ع) در نهج البلاغه خطاب به سالک اشتر فرمود: «ولا تدخلن فی مشورتک بخیلاً یعدل بک عن الفضل و یندک الفقر و لا جباناً یضعفک عن الامور و لا حریصاً یزین لک الشره فان البخل و الجبن و الحرص غرائز شتی یجمعها سوء الظن بالله» (۴۳).

بخیل را در مشورت دخالت مده زیرا که تو را از احسان منصرف می کند و از نیازمندی می ترساند، با افراد ترسو مشورت مکن زیرا در کارها رویدادها را ضعیف می کند. حریص را مشاور انتخاب نکن که حرص را با ستمگری در نظرت زینت می دهد. بخل و ترس و حرص، غریز و تمایلات مختلفی هستند که از بدگمانی به خدا سرچشمه می گیرند.

با توجه به مطالبی که تا کنون گفته شد مطالب ذیل استنتاج می شود:

۱- موضوع شورا فقط فرد نیست انسان فقط در مصالح فردی ملزم به مشورت باشد بلکه جامعه هم موضوع شورا است که در همه شؤون اجتماعی باید مشورت کرد.

۲- در تمام سطوح مدیریت چه مدیریت کلان و چه مدیریت عالی و چه بانوی و خدماتی باید کارها را با مشورت انجام دهند چنانکه پیامبر اکرم(ص) به عنوان مدیر کلان و عالی جامعه و به عنوان زعیم و رهبر سیاسی از طرف خدا مأمور شده بود که مشورت کند و هم سیره عملی آن حضرت بر مشورت در همه شؤون زندگی استمرار داشت و لذا مدیران به عنوان ادامه ده دگان زعامت و رهبری آن حضرت باید به آن عنایت داشته باشند در همه کارها مشورت نمایند.

۳- همه اسوری که به مصالح مسلمین مربوط می شود در قلمرو شورا قرار گیرد.

۴- شورا در نظام اسلامی محدود است اولاً به اموری که حکمی از طرف خداوند و رسول او در آن وارد نشده باشد و لذا جامعه اسلامی حق به شور گذاشتن احکام صریح اسلامی و فرامین پیامبر خدا را ندارد و ثانیاً افرادی که به عنوان مشاور برگزیده می شوند از شرائط و ویژگی های برخوردار باشند که برخی از آنها از صفات ثبوتی که باید آنها را داشته باشند و برخی از صفات سلبی هستند که باید از آن برکنار باشند.



- بر نوشتارها:
۱. شوری در قرآن و حدیث، ص ۲۶، ۲۷.
  ۲. تفسیر البیان، ج ۱۸.
  ۳. بخار، ج ۲۲، ص ۱۰۰.
  ۴. غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۶.
  ۵. تحف العاقل، ص ۲۶.
  ۶. سوره انال، آیه ۶۴.
  ۷. محاسن برقی، ص ۶۰.
  ۸. بخار، ج ۲۲، ص ۱۰۴.
  ۹. الدرر المتبرج، ج ۴، ص ۱۰.
  ۱۰. غرر الحکم، ج ۱۱، ص ۲۷۵.
  ۱۱. غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۷۹.
  ۱۲. تفسیر البیان، ج ۸، ص ۸۲.
  ۱۳. سنن بیهقی، ج ۷، ص ۴۵.
  ۱۴. محاسن برقی، ص ۶۰.
  ۱۵. المغازی، ج ۱، ص ۲۸.
  ۱۶. مستدر احمد، ج ۲، ص ۴۴۳.
  ۱۷. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۶. المغازی، ص ۲۰۹.
  ۱۸. المغازی، ج ۱، ص ۴۴.
  ۱۹. سنن بیهقی، ج ۹، ص ۲۱۸.
  ۲۰. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۰.
  ۲۱. سیره دلبی، ج ۴، ص ۱۶۱.
  ۲۲. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۸۳.
  ۲۳. مستدر احمد، ج ۱، ص ۹۵.
  ۲۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۶.
  ۲۵. نهج السعاده، ج ۲، ص ۹۲.
  ۲۶. محاسن برقی، ص ۶۰.
  ۲۷. شورا در قرآن و حدیث، ص ۶۲.
  ۲۸. محاسن برقی، ص ۶۰.
  ۲۹. وسائل الشبه، ج ۸، ص ۴۲۸.
  ۳۰. همان.
  ۳۱. خطبه ۱۴۶، نهج البلاغه.
  ۳۲. ثمره الاوراق، در حاشیه المستطرف، ج ۲، ص ۱۵.
  ۳۳. شرح ابن ابی عمیر، ج ۲، ص ۱۱۳.
  ۳۴. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۸۵.
  ۳۵. مفردات راغب، ص ۳۵۰.
  ۳۶. الشوری و اثرها فی الیه قرآطیه.
  ۳۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۸ و ۲۸۵.
  ۳۸. شوری در قرآن و حدیث، ص ۲۶ و ۳۱.
  ۳۹. تفسیر المنار، ج ۴، ص ۱۶۹ و ۲۰۰. تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۴۳۳. مفقود العاصم، ج ۱، ص ۲۷۰. مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۱۲ و ج ۸، ص ۱۲۲. زاد المسیر، ج ۲، ص ۴۸. الامامین، ص ۱. المشور، ج ۲، ص ۱۶۱. القرآن و المعرفه، ج ۱، ص ۲۶۴.
  ۴۰. البیان، ج ۴، ص ۵۸.
  ۴۱. سوره نساء، آیه ۵۵.
  ۴۲. سوره احزاب، آیه ۳۶.
  ۴۳. درامات فی ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۳۰.
  ۴۴. تنبیه الامم و تزویه العلماء، ص ۵۳.
  ۴۵. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.
  ۴۶. بخار الاخوان، ج ۲، ص ۱۰۰.
  ۴۷. بخار الاخوان، ج ۱۸، ص ۲۵۴.
  ۴۸. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
  ۴۹. شوری در قرآن و حدیث، ص ۸۲.
  ۵۰. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۰۵.
  ۵۱. شوری در قرآن و حدیث، ص ۸۷.
  ۵۲. همان، ص ۸۳.
  ۵۳. همان، ص ۸۲.